

بررسی تطبیقی مولفه‌های رئالیسم جادویی رمان‌های قلمرو این عالم و قرن‌روشنفکری کارپانتیه و روزگارسپری شده مردم‌سالخورده دولت‌آبادی

اکرم رجبی *

دانشجو دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

دکتر رقیه صدرایی **

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

دکتر عبدالحسین فرزاد ***

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۲۴، تاریخ تصویب: ۹۷/۱۱/۲۳، تاریخ چاپ: زمستان ۱۴۰۰)

چکیده

خاستگاه سبک رئالیسم جادویی، ادبیات آمریکای لاتین است. این شیوه داستان‌نویسی، تنها به این منطقه از جهان اختصاص نیافت و به ادبیات داستانی سایر کشورها از جمله ایران نیز راه پیدا کرد و آثار متعددی در این حوزه ارائه شد. اینکه به کارگیری سبک حاضر در ادبیات داستانی ایران تقلید محض است یا منطبق با رفتار فرهنگی و رشد اطلاعات ادبی متناسب سازی شده، جای تأمل دارد. به همین روی، بررسی مؤلفه‌های تشکیل دهنده آثار در کفه تطبیق، می‌تواند مؤثر در این بازیابی باشد. در این پژوهش، به بررسی تطبیقی مولفه‌های رئالیسم جادویی در رمان‌های قلمرو این عالم و قرن‌روشنفکری آخو کارپانتیه و روزگار سپری‌شده مردم‌سالخورده محمود دولت‌آبادی با روش توصیفی تحلیلی پرداخته شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر دو نویسنده در به کارگیری سبک رئالیسم جادویی بن‌مایه‌های مشترکی دارند که تنها در مصادیق با هم متفاوت هستند. در عین حال، بن‌مایه‌های منحصر به فرد نیز در آثار هر دو دیده می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد شرایط اقلیمی، اقتصادی و اجتماعی هر دو نویسنده، در کیفیت خلق اثر و به کارگیری سبک رئالیسم جادویی تأثیرگذار بوده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، رئالیسم جادویی، آخو کارپانتیه، محمود دولت‌آبادی، آمریکای لاتین.

* akramerajabi@gmail.com

** faridesadraie@yahoo.com (نویسنده مسئول)

*** abdolhosein.farzad@gmail.com

۱. مقدمه

رئالیسم^۱ مکتبی است که در آن آثار هنری بر مبنای واقعیت‌های اجتماعی آفریده می‌شوند و هنرمند بدون دخالت سلیقه و قضاوت‌های شخصی، به عنوان یک راوی، آینه‌ای از اجتماع خود را در قالب داستان در برابر دید مخاطب قرار می‌دهد. در این مکتب، همه چیز ریشه در واقعیات دارد و تمام سعی نویسنده بر آن است که اثری کاملاً واقعی ارائه دهد. اما، نوع دیگری از سبک رئالیسم که بیشتر در کشورهای جهان سوم رایج است و اصولاً به نام کشورهای آمریکای لاتین شناخته می‌شود، رئالیسم جادویی^۲ نام دارد. این سبک ادبی از یک سو با بیان حقایق و واقعیات‌های جامعه با مکتب رئالیسم پیوند دارد و از سوی دیگر با استفاده از برخی عناصر، به قصه‌ها و داستان‌های عامیانه و اسطوره‌ای نزدیک می‌شود. «رئالیسم جادویی در قصه به این معناست که همه عناصر داستان طبیعی است و تنها یک عنصر جادویی و غیرطبیعی در بافت قصه وجود دارد.» (فرزاد، ۱۳۸۱: ۲۴۰).

در این بین، نویسندگانی ظهور کردند که با نوشتن رمان‌های واقع‌گرا، سعی کردند مشکلات اجتماعی و فرهنگی زمان خود را نشان دهند. آن‌ها که متوجه سیطره فرهنگ غرب و از خودبیگانگی هم وطنان خود شده بودند، می‌کوشیدند به نوعی آنها را متوجه خطای خود کنند. از این رو، با استفاده از فرهنگ غنی و سرشار از رمز و راز کشورشان، نوعی بازگشت به خود را در میان مردم رواج دادند (سیدحسینی، ۱۳۸۴: ۳۱۸). رمان‌های این نویسندگان در عین واقع‌گرایی و واقع‌نمایی، دارای عناصری شگفت‌انگیز است که در اسطوره‌ها و عقاید خاص مردم ریشه دارد. نویسندگان این سبک ادبی عنصر شگفت‌آور را آنقدر طبیعی و عادی در اثر خود جای داده‌اند که باور آن به عنوان یک واقعیت گاه خلاف عادت به نظر نمی‌رسد.

آلخو کارپانتیه^۳، از نخستین نویسندگان آمریکای لاتین است که به سبک رئالیسم جادویی روی آورد؛ سبکی که بعدها گابریل گارسیا مارکز با خلق آثاری چون *صد سال تنهایی* نام آن را پرآوازه ساخت (کارپانتیه، ۱۳۹۴: ۵). محمود دولت‌آبادی نیز از نام‌آورترین رمان‌نویسان معاصر ایران به شمار می‌رود. وی، از نویسندگان نسل سوم داستان نویسی ایران است که گرایش به سبک رئالیسم جادویی در *روزگار سپری‌شده مردم سالخورده* مشاهده می‌شود.

گروهی معتقدند که پرداختن به رئالیسم جادویی در غرب، نوعی بازیابی سحر و جادو در غرب بوده است (متون، ۱۹۸۳: ۱۱) اما در ایران چنین امری مد نظر نویسندگان نبوده و طی

^۱ Realism

^۲ Magic Realism

^۳ Alejo Carpentier

سال‌های اخیر در ایران، آثار رئالیسم جادویی همواره در شمار آثار محبوب و پرخواننده بوده است و حتی بخشی از ادبیات داستانی معاصر همچون نوشته‌های شهرنوش پارس‌پور و دولت‌آبادی، تحت تأثیر این سبک قرار داشته است. بر همین اساس، سوال‌های تحقیق این است که مولفه‌های رئالیسم جادویی در رمان‌های *قلمرو/این عالم* و *قرن روشنفکری* از آخو کارپانتیه به عنوان یکی از پیشگامان این سبک از منطقه آمریکای لاتین و اثر با ارزش محمود دولت‌آبادی به نام *روزگار سپری شده مردم سالخورده چیست؟* و عوامل مؤثر بر بن‌مایه‌های این رمان‌ها کدام است؟ هدف اصلی این مقاله نیز بررسی تطبیقی مولفه‌های رئالیسم جادویی در آثار منتخب این دو نویسنده است که تاکنون در مورد آن مطالعه‌ای انجام نشده است. آخو کارپانتیه و محمود دولت‌آبادی نویسندگانی از دو ملت متفاوت با دو زبان متفاوت‌اند که روابط تاریخی میان آن‌ها نبوده است. در دوران معاصر هم این دو نویسنده شناخت و آگاهی از هم نداشتند که از آثار، اندیشه‌ها، جریان‌ات و گونه‌ها، سبک و ساختار داستان‌نویسی یکدیگر تأثیر و تأثیری گرفته باشند. به همین دلیل در چارچوب مکتب آمریکایی به مقایسه تطبیقی این سه اثر پرداخته و وجوه اشتراک و متمایز آن‌ها شناسایی و تحلیل خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش

در مورد رئالیسم جادویی در زبان فارسی تاکنون پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است؛ چراکه رئالیسم جادویی یکی از پیچیده‌ترین سبک‌های داستان‌نویسی در چند دهه اخیر بوده است. با وجود محبوبیت این سبک در بین نویسندگان ادبی، هنوز در این زمینه، تحول و حرکت مستقل و جامعی صورت نگرفته است. اطلاعات موجود در چند کتاب، پایان‌نامه و معدودی مقاله، پراکنده است که در ذیل به آنها اشاره می‌شود:

نیکویخت و رامین‌نیا (۱۳۸۴) مفاهیم و مبانی رئالیسم جادویی با توجه به دیدگاه منتقدان و صاحب‌نظران ادبی را تعریف و تبیین کرده‌اند و سپس به تحلیل رمان اهل غرق با توجه ویژگی‌ها و مشخصه‌های رئالیسم جادویی پرداخته‌اند. پورنامداریان و سیدان (۱۳۸۸) از میان داستان‌نویسان فارسی، غلام‌حسین ساعدی را انتخاب و آثارش را تحلیل کرده‌اند. یافته‌های آنها نشان می‌دهد داستان‌هایی به سبک رئالیسم جادویی در ایران نوشته شده‌اند و رگه‌هایی از رئالیسم جادویی را می‌توان در آثار ساعدی به وضوح یافت. رضی و بی‌نظیر (۱۳۸۹) به موضوع درهم‌تندگی رئالیسم جادویی و داستان موقعیت در داستان کوتاه گیاهی در قرنطینه اثر

بیژن نجدی پرداخته‌اند. باقری (۱۳۹۰) ویژگی‌های فرمی و محتوایی سبک رئالیسم جادویی، در سه اثر از رضا براهنی را تعریف و تحلیل کرده است. علوی ایلخچی (۱۳۹۲) به بررسی عناصر رئالیسم جادویی در آثار غلامحسین ساعدی و گابریل گارسیا مارکز می‌پردازد و شیوه به‌کارگیری این عناصر را در آثار این دو نویسنده نقد تطبیقی می‌کند. قادری (۱۳۹۲) موضوع سوشیالیسم و مسائل مربوط به آن، در شکل‌گیری رئالیسم جادویی، در رمان *روزگار سپری‌شده مردم سالخورده* را بررسی کرده است. سعیدی‌تبار (۱۳۹۳) مولفه‌ها و ویژگی‌های رئالیسم جادویی و همچنین شیوه به‌کارگیری آن در داستان‌ها و افسانه‌های کردی با تکیه بر سه کتاب به نام‌های *داستان‌های کهن کردی از روزی لیسکو، چپروک از هاشم سلیمی و رمان آخرین‌انار دنیا* نوشته بختیارعلی را توصیف کرده است. در تحقیق حجازی (۱۳۹۴) مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در رمان *من / او* اثر رضا امیرخانی کندوکاو شده است. قاسم‌زاده (۱۳۹۵) در رساله دکتری خود، آثار داستانی گابریل گارسیا مارکز، روانی پور و براهنی را از منظر مولفه‌های رئالیسم جادویی بررسی تطبیقی کرده است. میرزاییان و همکاران (۱۳۹۸) مبانی رئالیسم انتقادی اجتماعی و ناتوریسم بر گفتمان قدرت را در دفتر اول رمان *روزگار سپری‌شده مردم سالخورده*، براساس الگوی گفتمانی نورمن فرکلان را تحلیل کرده است. در نهایت، وثاقتی جلال (۱۳۹۸) نشان داده است که چگونه زبان روایی، در *روزگار سپری‌شده مردم سالخورده* به ایجاد رئالیسم جادویی کمک کرده است.

بررسی پیشینه تحقیق در ادبیات فارسی آشکار می‌سازد که از یک سو، آخو کارپانتیه علی‌رغم اینکه از نویسندگان مطرح سبک رئالیسم جادویی است، به دلیل عدم ترجمه آثار وی به فارسی، مطالعه و پژوهشی بر روی آثارش در ایران انجام نشده است و اغلب به رمان‌های مارکز توجه شده است. از سوی دیگر، رئالیسم جادویی بیشتر در آثار براهنی، ساعدی و روانی‌پور مدنظر قرار گرفته است و مطالعه جامعی در حوزه ی مولفه‌های رئالیسم جادویی در آثار دولت‌آبادی به ویژه رمان بلند *روزگار سپری‌شده مردم سالخورده* انجام نشده است. لذا انجام تحقیق در زمینه بررسی تطبیقی مولفه‌های رئالیسم جادویی با در نظر داشتن مبانی نظری مطالعات ادبیات تطبیقی در آثار این دو نویسنده تازه و بدیع است.

۳. چارچوب نظری

اصطلاح رئالیسم جادویی اولین بار توسط فرانس روه^۱ هنرشناس و منتقد آلمانی در سال ۱۹۲۵ برای تفسیر آثار نقاشانی ابداع شد که سعی می‌کردند واقعیت را در شیوه‌ای جدید ابراز کنند (همایون کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۱۲۹). این مفهوم از سال ۱۹۵۰ به بعد، به ویژه در دهه ۱۹۶۰، با ادبیات داستانی آمریکای لاتین آمیخته شد. پس از رواج رئالیسم جادویی در گستره داستان‌نویسی، نویسندگان و منتقدان بسیاری به تبیین این اصطلاح پرداختند و تعاریف متنوعی از این شیوه بیان کردند. به اجمال، داستان رئالیسم جادویی در شکل خیال و وهم روایت می‌شود، اما ویژگی‌های داستان‌های تخیلی را ندارد. به عبارت دیگر، آن‌قدر از واقعیت فاصله نمی‌گیرد که منکر آن در تمام عرصه‌ها و در تمام مدت زمان داستان باشد. از همین جا می‌توان دریافت که عناصر سحر، جادو، رؤیا و خیال، بسیار کمتر از عنصر واقعیت است، یعنی بار تخیلی و وهمی بودن داستان کمتر از بار رئالیستی آن است. توصیف صریح اشیاء و پدیده‌های شگفت‌انگیز و غیرعادی، جزو ارکان کار درمی‌آید. در رئالیسم جادویی، عقل درهم شکسته می‌شود و رخدادها بر مبنای عقل و منطق به وقوع نمی‌پیوندند. در این آثار خرافات، امور تخیلی یا اسطوره‌ای، خواب و رؤیا، امور پوچ و غیرمعقول و همچنین لحن و زبان دست به دست می‌دهند تا موضوع از سیطره عقل و منطق خارج شود (گران، ۱۳۵۷: ۴۶). بنابراین، رئالیسم جادویی ترکیبی است از دو عنصر واقعیت و خیال، به طوری که تشخیص و جداسازی آنها آسان نیست (نیکویخت و رامین‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

سبک رئالیسم جادویی داستان‌نویسی در دهه‌های شصت و هفتاد قرن بیستم در ادبیات آمریکای لاتین مطرح و شکوفا شد و با کتاب *صد سال تنهایی* (۱۹۶۷) اثر گابریل گارسیا مارکز به سبکی جهانی در داستان‌نویسی مبدل شد. از دیگر نویسندگان بنام این سبک می‌توان از آلخو کارپانتیه، خورخه لوئیس بورخس، ایتالو کالونیو و گونتر گراس نام برد. اگرچه این سبک داستان‌نویسی با ویژگی‌های که اکنون از آن می‌شناسیم با نام آمریکای لاتین پیوندی ناگسستنی یافته است؛ اما به زعم منتقدان، این شیوه تنها مختص به این منطقه از جهان نیست، بلکه در ادبیات داستانی ایران نیز مشاهده می‌شود.

در ادبیات معاصر فارسی، گرایش به رئالیسم جادویی حاصل ترجمه رمان‌های نویسندگان آمریکای لاتین و تأثیر پذیری از ادبیات آن دیار است. مترجمان توانا و چیره دستی چون احمد

^۱ Franz Roh

میرعلایی با ترجمه آثاری از جمله داستان‌های *ویرانه‌های مدور* و *باغ گذرگاه‌های هزارپنج* بورخس و عبدالله کوثری با ترجمه کتاب‌های *پوست انداختن* از کارلوس فونتس، مجموعه *داستان‌های کوتاه* از کارپانتیه، *اچه وریا*، *خوان رولفو*، *آستوریاس* و بیشتر آثار ماریو بارگاس یوسا، سهم بسزایی در معرفی و رواج این جریان داستان‌نویسی در ایران داشتند. این سبک ادبی به سرعت پیروانی برای خود یافت و اکنون می‌توان رگه‌هایی از آن را در آثار غلامحسین ساعدی (*عزاداران بیل*)، محمود دولت‌آبادی (*روزگار سپری‌شده مردم سالخورده*)، مینرو روانی پور (*اهل غرق*)، یوسف علیخانی (*قدم به خیر مادر بزرگ من بود و اژدها کشان*) و رضا براهنی (*آواز کشتگان و رازهای سرزمین من*) پیدا کرد (ثروت، ۱۳۹۰: ۱۳۷). بررسی ویژگی‌ها و مولفه‌های رئالیسم جادویی در رمان‌ها نشان از متنوع بودن آنها دارد.

بررسی‌های تطبیقی بدون در نظر داشتن تأثیر و تأثرات، امکان خوانش‌های مؤثرتری از متون را در اختیار می‌گذارد (جلالی، ۱۳۹۷: ۶۷) این امر، در بازیابی مولفه‌های مشترک رئالیسم جادویی میان داستان‌های مشابه، قابل تأمل است. برخی از رایج‌ترین مولفه‌ها در این سبک عبارتند از: امور توجیه‌ناپذیر، عقاید خرافی و باورهای شگفت‌انگیز، تلفیق و پیوند، استحاله، اسطوره و نماد، توصیفات اکسپرسیونیستی و سورئالیستی، هرزه‌نگاری، دوگانگی، فضا سازی و امور فراطبیعی که در بخش بعدی مقاله به تشریح آنها پرداخته می‌شود و نمونه‌های آن در رمان‌های مورد بررسی مشخص می‌شود. برخی پژوهشگران از میان مولفه‌های گوناگون، سه عنصر «وهم و خیال»، «اسطوره» و «عناصر ماوراء طبیعی» را عناصر اصلی این سبک ادبی تلقی می‌کنند (ناظمیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

تردیدی نیست که یک متن ادبی همواره منعکس‌کننده سبک و اندیشه نویسندگان است. در این میان، ادبیات تطبیقی که یکی از حوزه‌های مطالعات ادبی است، سعی می‌کند موارد تلاقی آثار و پیوندهای مشترک، اعم از گفتمان‌های موجود در آن را در یابد. به همین منظور با تکیه بر «رویکرد توازی» در سطح ادبی، می‌توان به بررسی تطبیقی موارد مشترک در رمان‌ها و داستان‌ها پرداخت.

رویکرد توازی، در روش‌شناسی بررسی تطبیقی مکتب آمریکایی مطرح شده است و یک نوع تکیه‌گاه علمی به شمار می‌آید که به منظور جبران کمبودهای ادبیات تطبیقی در نظر گرفته شده و ناشی از نارسایی‌هایی است که در نظریه تأثیر و تأثر مکتب فرانسوی بوده است. در واقع این روش‌شناسی بابت تازه در حوزه ادبیات تطبیقی باز کرده است که به کمک آن می‌توان متون را آن‌طور که هست صرفاً بر مبنای شباهت‌های متنی بررسی کرد (جلالی و دیگران،

۱۳۹۷: ۶۶). «در این روش، متون متفاوت براساس تشابه در یک نمونه و الگوی پیشین با یکدیگر مقایسه می‌شوند» (نجومیان، ۱۳۹۱: ۱۳۰). با این روش تلاقی‌های متنی بیشتر آشکار می‌شود. برای دست‌یابی به ظرایف این تلاقی در میان متون ادبی ملل مختلف ابتدا سه رمان از دو نویسنده مشهور که از لحاظ ساختار و مفهوم در گروه آثار رئالیسم قرار می‌گیرند، انتخاب شده و پس از تعیین مؤلفه‌های موجود در آثار با در نظر داشتن رویکرد توازی، بررسی و تحلیل شده است. پیش از هر چیز نخست به خلاصه رمان‌های منتخب اشاره می‌شود.

۴. خلاصه رمان‌های منتخب

۴-۱. قلمرو این عالم

در این رمان کارپانتیه با درآمیختن واقعیت و خیال‌بافی‌های خرافاتی، رویدادهای «سن دومینگو» در پایان سده‌ی هجدهم و آغاز سده‌ی نوزدهم را روایت می‌کند: شورش بردگان، دوران فرمانروایی ژنرال دوکلر، شوهر پولین بوناپارت، خواهر دلربای ناپلئون، سلطنت حیرت‌انگیز «آنری کریستوف»، اولین و آخرین پادشاه سیاه پوست تائیتی و غیره. این اثر بازآفرینی تخیلی گذشته‌ی خشونت‌بار هائیتی و فرمانروایی پرتلاطم آنری کریستف است. این رمان روایت برده‌ای سیاه‌پوست به نام تی‌نوئل است که مورد اعتماد ارباب خویش است و سفارش‌های کارفرما به وی سپرده می‌شود و او در بطن کاردانی و مهارت خویش در مواجهه با دیگران خشونت‌پنهان دارد.

۴-۲. قرن روشنفکری

این رمان، شرح ماجراهایی است که طی انقلاب حکومتی بین فرانسه و اسپانیا و جنگ در ایالت باسک (ایالتی در شمال اسپانیا و هم مرز با فرانسه) بر سر سه شخصیت اصلی داستان می‌گذرد. مهم‌ترین شخصیت داستان ویکتور هوگ^۱ است و می‌توان گفت که در داستان نقشی کانونی دارد، و شخصیت آن از تاریخ گرفته شده است. کارپانتیه در این اثر، کارهای ویکتور هوگ را وصف می‌کند که زمانی در پورتو پرنس^۲ دکانی داشت و بعد شیفتهٔ روبسپیر شد و در روشفور به عنوان دادستان مردم تعیین گردید و سپس، با یک دست فرمان شانزدهم ماه

^۱ Victor Hughes
^۲ Port au Prince

پلوویوز^۱ را به منظور برقراری آزادی و القای برده‌داری به دنیای جدید آورد و با دست دیگر گیوتین را به جامعه خویش وارد کرد.

۳-۴. روزگار سپری‌شده مردم سالخورده

این رمان زندگی گروهی از مردم ایران را در تاریخ یک‌صدساله‌ی این سرزمین در سه جلد به تصویر کشیده است. رویدادهای مهم تاریخ ایران مانند پایان دوران حکومت پادشاهان قاجار و پادشاه شدن رضا شاه در سال ۱۳۰۴، آمدن قشون روسیه به ایران در سال ۱۳۲۰، جریان حکومت مصدق در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۲ و پیوستن مردم به حزب‌های سیاسی، اصلاحات ارضی محمدرضا شاه پهلوی در سال ۱۳۴۲ و کوچ روستائیان بی‌زمین به شهرها، گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، گسترش روسپیگری در شهرها به علت فقر و انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، همه در شکل‌گیری زندگی شخصیت‌های رمان تأثیر دارند. رمان سرگذشت سه نسل از یک خانواده است. داستان این خانواده با استادابا آغاز می‌شود. او در زمان ناصرالدین شاه قاجار و در روزی پاییزی از جایی نامعلوم به روستای تلخ‌آباد کلنچان می‌آید. با دختری از خانواده‌ی سیدها به نام بی‌بی‌آدینه ازدواج می‌کند. آن‌ها صاحب دختری به نام خورشید و دو پسر به نام‌های عبدوس و یادگار می‌شوند و باقی ماجرا.

۵. بررسی تطبیقی مولفه‌های رئالیسم جادویی در آثار کارپانتیه و دولت‌آبادی

وجود مؤلفه‌های رئالیسم جادویی در آثار کارپانتیه و دولت‌آبادی در رمان‌های منتخب، با در نظر گرفتن زبان و فرهنگ متفاوت، قابل بحث و تحلیل است. کمبرلین معتقد است آنچه باعث نزدیک کردن سبک و مکتب رئالیسم جادویی به واقعیت می‌شود تقارن‌های فرهنگ عامه با تعقل حاکم بر اجتماع است (کمبرلین، ۱۹۸۶: ۲۱) به همین روی، بازیابی مؤلفه‌ها به تحلیل آثار کمک شایانی می‌کند. در ادامه مطلب به این مؤلفه‌ها و تحلیل‌های مرتبط با آن به تفصیل اشاره می‌شود.

۱-۵. مولفه‌های مشترک رئالیسم جادویی

۱-۱-۵. امور توجیه‌ناپذیر: در رئالیسم جادویی ساختار کلاسیک مبتنی بر فهم متعارف از علت و معلول، در هم می‌ریزد و رویدادها، سیر منطقی طی نمی‌کنند. این رویدادها، اموری هستند که در بافت داستان قابل قبول به نظر می‌رسند، ولی خارج از داستان، امری غیرمعقول

^۱ Pluviose

هستند که توجیه منطقی ندارند (پورنامداران و سیدان، ۱۳۸۸: ۵۵). نمونه‌هایی از این دست، عبارتند از:

«مرد سیاه‌پوست آفریقایی) از مهاجرت گسترده انسان‌ها می‌گفت، از نبردهای شگفت‌انگیزی که در آنها، حیوانات به یاری انسان‌ها، آمده بودند» (قلمرو/ این عالم: ۳۰). در نمونه بالا کاربرد نبرد شگفت‌انگیز و به یاری انسان آمدن حیوانات اموری توجیه‌ناپذیرند که در رمان قلمرو به این عالم به کار رفته است و یا در عبارت زیر نیز الهه آب و تمام زایمان‌ها ناشی از تفکر اسطوره‌ای نویسنده است:

«مرد سیاه‌پوست آفریقایی) سرگذشت پادشاه آنگولا، سلطان "دا" را می‌دانست که از ملکه‌ای کام می‌گرفت که رنگین کمان بود، الهه‌ی آب و تمام زایمان‌ها» (همان: ۳۰). «وقتی طوفانی شدید، آب‌بندی‌های فریزلند^۱ را از جا کند، زنی دریایی پیدا شد، تا کمر در گل فرو رفته. او را به هارلم آوردند و لباسش پوشاندند و نخ‌ریسی یادش دادند» (همان: ۵۳).

کمک حیوانات به انسان‌ها در جنگ، شاهزاده‌هایی که با درختان گفتگو می‌کردند، فرمانبرداری ابرها از فرزندان، مردی در شمال درخت و یا اندامی شبیه گنج، همه و همه حاکی از توجیه‌ناپذیری وقایعی است که خارج از جهان داستان، غیرمعمول و باورگریز بوده و توجیه منطقی ندارند و کارپانتیه سعی کرده با کمک این امور مخاطب را شگفت‌زده نماید.

«انسانی در هیأت درخت با انگشتانی همچون جوانه از پهلوهایش برآمده، یا مردی با اندامی گنجه‌وار، با کشوهای خالی از شکمش بیرون کشیده» (قرن روشنفکری: ۳۱). «مال‌بندهای یک گاری همچون اسبی بر دو پا ایستاده در پرتو مهتاب به هوا رفته بود» (همان: ۱۴۳).

محمود دولت‌آبادی نیز در روزگار سپری شده مردم سالخورده از اموری همچون کور شدن همه مردم در یک لحظه، شنیدن صدای غول، اشباحی که حرف می‌زنند، دست‌های بزرگ بی‌تن، بهره می‌چوید که گاهی برای خواننده توجیهی ندارد:

آمدن کالسکه خالی و بی‌اسب در جمله زیر نیز امری توجیه‌ناپذیر است: «(قوزی پیر کشت) وقتی پای کرسی یک نفره‌اش نشسته بود و به مرگ خودش که در آستانه در ایستاده بود، نگاه می‌کرد. به یاد می‌آورد که در یکی از آن غروب‌های باد پیچ،

^۱ Freeland

کالسکه‌ای خالی و بی اسب آمد پای دیوار آخرین بام خانه مشرف به کوچه پشت ایستاد» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب اول: ۳۱۸).

وقایع زیر نیز در داستان روزگار سپری‌شده آمده است که هر کدام در نوع خود قابل قبول نیست، شاید در بطن داستان و در بن‌مایه‌های رئالیسم جادویی قابل قبول باشند. در جمله‌های زیر نیز چنین موردی به وضوح دیده می‌شود:

«آن‌که انگشتر را در لیفه‌ی تنبان خود قایم کرده بوده، انکار کرده برای همین، عمر قاتل‌ها به صبح نکشیده و سنگ شده‌اند، سنگ‌آهک چیزهایی مثل تخت دیو؛ و باز خرناسه‌ی خواب صبحگاهی دیو است که گوش‌ها را پر می‌کند» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب دوم: ۲۹۰).

سام بعد از مرگ نوران، پوست افکنده و در تمام طول مدت‌زمان مردن نوران، او در حال پوست افکندن بود» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب سوم: ۴۱۷).

سنگ شدن انسان، حرکت کالسکه بدون اسب و پوست انداختن سام امکان وقوع در عالم حاضر را ندارد و توجیه ناپذیر است، اما با منطق حاکم بر داستان پذیرفته می‌شود. در این میان، موتیف‌هایی مانند دریا، سالخوردگی، طبیعت دیده می‌شود که در کار هر دو نویسنده، به اشتراک وجود دارد. ملن معتقد است وجود موتیف‌های مشابه در متن خیالی، گاه به شباهت‌های ذهنی نویسندگان باز می‌گردد (ملن، ۲۰۰۰: ۱۲۸) مثال‌های موجود بیانگر این نکته است که توانش فکری نویسندگان در کاربرد امور توجیه ناپذیر به یکدیگر نزدیک است و بن‌مایه‌های کاربردی در این زمینه نیز همسان است.

۵-۱-۲. عقاید و باورهای شگفت‌انگیز (خرافات): عقاید، باورهای عجیب و غریب و از همه مهمتر خرافات از عناصر و مولفه‌های مهم رئالیسم جادویی است که به شکلی فراواقعی و اغراق‌آمیز جلوه‌گر می‌شود. انسان‌هایی که به علت شرایط خاص محیط زندگی و یا عدم ارتباط با مردم دیگر مناطق، در فضایی اسرارآمیز و کاملاً خیال‌انگیز زندگی می‌کنند و برای آرامش خویش و یا دفع بلا، دست به کارهای عجیب و غریبی می‌زنند (پورنامداران و سیدان، ۱۳۸۸: ۵۴). برخی از این مولفه‌ها عبارتند از:

برگزاری آیین نیایش برای مار کبری در شهر ویدا:

«در شهر مقدس «ویدا»، برای مار کبری آیین نیایش برپا می‌کردند. نمایش رازوارانه‌ی چرخه‌ی ابدی، همین‌طور برای ایزدانی که بر عالم نباتی سلطه داشتند و معمولاً، خیس

و درخشان، میان نی‌زارهایی ظاهر می‌شدند که صداها را در کرانه‌های دریاچه‌ی نمک می‌بلعیدند» (قلمرو/ این عالم: ۳۶).

قائل شدن به خدای سفیدها و ایزد سیاهان:

«خدای سفیدها، فرمان به جنایت می‌دهد. ایزدان ما انتقام را می‌طلبند. آن‌ها، بازوهایمان را هدایت می‌کنند و به یاری‌مان می‌آیند. درهم بشکنید تصویر خدای سفیدها را، که تشنه‌ی اشک‌هاست! از درون‌تان خروش آزادی را بشنوید!» (همان: ۷۴).

اشاره به بز بافومت که نماد شیطان محسوب می‌شود:

«(اوژه) می‌گفت: این مرد (ژاک دو موله) به رفض و فساد عقیده محکوم و به گناه پرستیدن شیطان در قالب بتی به نام «بافومت»^۱ زنده سوزانده شده است» (همان: ۹۶).

آیین نیایش برای مار کبری، قائل شدن به خدای سفیدها و ایزد سیاهان، چاره‌ساز بودن و بز بافومت، همگی از عقاید و باورهای شگفت‌انگیز در هر دو اثر کارپانتیه حکایت می‌کند. فضای رمان‌ها به گونه‌ای است که گویی وقایع و رخدادها در برهوتی اسرار آمیز و خیال‌انگیز شکل می‌گیرند. این عقاید عجیب و غریب در چارچوب فرهنگ سنتی مردمان جهان سوم، به صورت امری واقعی جلوه می‌کنند و خرافی بودن آنها، تنها از زاویه دید کسانی است که با آن باورها، ناآشنا هستند.

این مؤلفه در رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده نیز به وفور دیده می‌شود، حتی شروع هر مجلد از این رمان نیز با یک باور خرافی یا یک عقیده عجیب و غریب همراه است. لازم است در نظر گرفت که این خرافات با توجه به فرهنگ‌های مختلف متفاوت است اما ماهیت آن‌ها خیال‌انگیز و غیرواقعی بودن است. به همین دلیل در فرهنگ اصطلاحات ادبی این گونه عناصر با در نظر گرفتن مفهوم کلی، طوری تعریف شده‌اند که امکان بروز در آثار ادبی با اشکال متفاوت را دارند (بلدیک، ۱۹۹۰: ۹۲).

بدو داستان *اقلیم باد* نیز با خرافات شروع می‌شود؛ همزمانی صدای کره خر و مرگ ابا یادگار به این نوع نگرش بیشتر دامن می‌زند. پاره ایی از این باورهای خرافی در داستان بلند روزگار سپری شده مردم سالخورده به شرح ذیل است:

«همه نحسی‌ها با عرعر آن کره خر و ماندن شروع شد کره خری که بابام مرغ و نه تا جوجه‌هاش را باش تاخت زده بود» (روزگار سپری شده مردم سالخورده، ۱:۶۵).

^۱ Bafomet

«و باز خرناسه‌ی خواب صبحگاهی دیو است که گوش‌ها را پر می‌کند و تو را وا می‌دارد برای گریز از خود، آواز بخوانی و می‌خوانی و...» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب دوم: ۲۶۸).

جفت شدن نعلین جلوی پا نوعی کرامت است و می‌تواند باور خرافی باشد که در اکثر نقاط ایران به اشکال مختلف دیده می‌شود. خاستگاه اصلی این نگاه به تصوف باز می‌گردد (سالاری، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

«در حیاط حسینیه بود که سکندر فهمید آن آقا، میرا آقا است. ملایی قریب الاجتهاد که بعدها گفتند نعلین‌هایش جلوی پاهایش جفت می‌شده» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب اول: ۲۹).

رمل و دعانویسی و انجام اعمال و مناسک غیرطبیعی، از همان ابتدا وجود داشته است و گستره‌ی آن به مردم تمام کشورهای جهان رسیده است. اعتقاد به موجودات وهمی و خیالی همچون غول و پریزاد نیز از جمله‌های باورهای خرافی است که پا به متن داستان گذاشته؛ به طوری که عقلانیت حاکم بر متن را تخریب نکرده است. نمونه‌های آن را می‌آوریم:

«زن عمو رفت دعا نویسی را آورد بالا سرم؛ او گفت توبه کن، از گناهانت توبه کن. تو بهشتی هستی اگر توبه‌ات قبول بیفتد» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب دوم: ۲۴۳).

«(دعا نویس) یک شیشه‌ی آب رنگی گذاشت کنار دستم و گفت: این دو سه روز باقی مانده را از این شربت بخور تا اجابت برسد» (همان: ۲۴۴).

«اول باید یک کوزه آب و یک تا نان همراهمان برداریم برای آن پریزاد که در چاه امانی اسیر است» (همان، ۱۲۲).

«غولی که همه از او تمکین می‌کنند در طبقه هفتم (قصر) است. غول چله به چله می‌- خوابد، یعنی چهل روز به چهل روز خواب است و چهل روز بیدار وقتی خواب است باید سرش روی زانوی دختری باشد دختر که با یک باد بزن سبک و هفت رنگ او را باد می‌زند» (همان: ۱۶۸).

«هیچ کس هنوز نتوانسته روی دیو زاده‌ها را ببیند، مبادا که بتواند بشناسدشان» (همان: ۱۶۸).

«یکی از این روزها می‌رویم به جایی که کالسکه اصغر را به آنجا برد، آن جا ... آن جا در دل چاه امانی. همان که یک دختر پریزاد هست در دام یک غول. غولی که من می‌توانم او را خواب کنم» (همان: ۱۲۲).

مؤلفه‌های رئالیسم جادویی و به کارگیری آن در متن، با منطق پذیرش نویسنده و مخاطب تناسب دارد؛ تا جایی که از مشخصه‌های اصلی این امر، وجود «سحر و جادویی است که با منطق موجود در داستان، به دلیل نزدیکی با فرهنگ مردم همراه و همگون می‌شود» (باور، ۲۰۰۴: ۲۳) و همین امر، توجیه پذیری اثر را در ذهن بیشتر می‌کند. بنابراین بافتار فرهنگی است که می‌تواند منطق حاکم بر یک واقعه غیرطبیعی را منطقی جلوه دهد. به دلیل وجود تنوع در این باورها از منظر نگاه تطبیقی، اختلاف در ماهیت باور نیست؛ بلکه این اختلاف در مصادیق وجود دارد.

۵-۱-۳. استحاله: شخصیت‌هایی که از نظر روحی و جسمی دچار استحاله

می‌شوند، ممکن است در اثر فشار روحی دچار جنون شوند و از نظر روحی و یا جسمی به شکل حیوان درآیند. این شخصیت‌ها در اثر فشار روانی به جنون می‌رسند و طی یک استحاله روانی، خود را موجودی دیگر می‌پندارند و حرکات و رفتارهای آن موجود را از خودشان نشان می‌دهند و یا حتی به شکل حیوانات عجیب و غریب و یا انسان دیگر در می‌آیند (ابلیخچی، ۱۳۹۲: ۲۲). نمونه‌هایی از این نوع استحاله در رمان‌های مورد بررسی به شرح ذیل است:

استحاله شخصیت‌ها به خزندگان همچون مار، چهارپایان و پرندگان و حشرات و بندپایان همچون مورچه و کفشدوزک و هزارپا در کتاب *قلمرو این عالم* به وضوح دیده می‌شود:

«سرگذشت پادشاه آنگولا، سلطان «دا» که به جسم مار می‌رفت، که آغاز ابدی است، هرگز به پایان نمی‌رسد» (قلمرو این عالم: ۳۰).

«ماکاندال، برخوردار از قدرت جادویی بدل شدن به حیوان سم‌دار، به پرنده ماهی یا حشره، مدام به مزرعه‌های دشت سر می‌زد تا مراقب یاران وفادارش باشد و بفهمد آیا هنوز به بازگشتش اعتماد دارند» (همان: ۵۳).

«ماکاندال در چرخه‌های دگردیسی‌هایش بارها به دنیای رازآلود حشره‌ها راه یافته بود، فقدان بازوی انسانی‌اش را با کسب چندین پا، چهار بال و یا دو شاخک بلند جبران

کرده بود. مگس شده بود، هزارپا، بید، مورچه، رتیل، کفشدوزک و حتی کرم شب‌تاب با بارقه‌های سبز درخشان» (همان: ۶۰).

«تی نونل شگفت زده شد از این که درآمدن به شکل حیوان‌ها چقدر آسان بود، وقتی آدم قدرت انجامش را داشت. محض امتحان از درختی بالا رفت و اراده کرد پرنده بشود و بلافاصله پرنده شد» (همان: ۱۶۹).

محمود دولت‌آبادی نیز در داستان خود به استحاله به شکل حیوانات اشاره کرده است و شخصیت‌های داستانی او، این استحاله‌ها را تجربه کرده‌اند. استحاله‌ها شامل حیواناتی همچون سگ، مار و چرندگان می‌شود. اما آنچه که در رمان روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، استحاله به نظر می‌رسد، یا تصورات ساخته ذهن راوی است و یا استعاره است.

«در یاد مادر، به جز گورستان‌ها، نشانی سه تا خانه بود اما ناگهان توی خانه‌ها مار پیدا شد. توی خانه، هر زنی تبدیل شد به یک مار؛ و هر مرد تبدیل شد به یک سیمای عبوس مغموم و متفکر» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب سوم: ۴۹).

در داستان‌های رئالیسم جادویی گاه این استحاله در قالب تبدیل جسم به روح قرار می‌گیرد (گرت، ۱۹۷۰: ۵۸). اما هر دو نویسنده به سراغ این نوع از استحاله نرفته‌اند و استحاله شخصیت‌ها در آثار کارپانتیه بیشتر به مار و چرندگان است.

۵-۱-۴. **فضاسازی تعفن بار:** در داستان‌های رئالیسم جادویی، آرایش کلمات و چیدمان آنها، فضاهایی را به وجود می‌آورد که معنای خوشایندی به مشام خواننده نمی‌رساند و وضعیتی است که حالت تعفن‌بار و مشمئزکننده به داستان می‌دهد و خواننده با مجسم کردن آن وضعیت، دچار دل به هم خوردگی می‌شود (خاقانی اصفهانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۸). عناصر مرتبط با این ویژگی در رمان‌های مذکور به این شرح است:

«گاوه‌های ماده، گاوه‌های نر، گوساله‌ها، اسب‌ها، گوسفندها، صدتا صدتا تلف می‌شدند و تمام منطقه را با تعفن ماندگار مردار می‌انباشتند» (قلمرو این‌عالم: ۴۷).

توصیف این صحنه‌ها حالتی از دل زدگی و پستی به خواننده القا می‌کند تا این فضای متعفن‌تر به چشم بیاید و خواننده آن را به طور کامل حس کند:

«مرد سیاه پوستی برهنه، محض خنده، داخل تشتی پر از پیه خوک پرید» (همان: ۷۹)

«زنده‌ماندگان از سوراخ‌ها و غارها و دخمه‌های فلاکت‌نشان و دود گرفته و آلوده به مدفوع خود بیرون آمدند، با نوارهای بلندی به زخم‌هاشان آویخته» (همان: ۱۹۸).

کارپانتیه در این رمان، فضایی وحشت‌آور همراه با دلزدگی، را ترسیم می‌کند که هنگام خواندن آن، دل را به هم می‌زند و حس ترحم خواننده را هم تحریک می‌کند. پرشدن سطح زمین از لاشه حیوانات، کرم گذاشتن سر بوکمن، پریدن مرد سیاه‌پوست داخل پیه خوک، همگی از ایجاد فضایی حکایت می‌کند که مخاطب را با تهوع و موقعیتی مضمئزکننده و چندش‌آور روبرو می‌کند.

در رمان *روزگار سپری شده* مردم *سالخورده* نیز از این فضا سازی های متعفن و بدبو می‌توان دید، ولی تفاوت آن با آثار آخو کارپانتیه در این است که بیان دولت‌آبادی نسبت به کارپانتیه وحشت‌آور و چندش‌آورتر است.

«ظهر گرما بود که به حکومتی رسیدیم و من را یکراست بردند در زیر زمینی که حقیقتاً مثل حمام بود دست‌هایم را بستند، پاهایم را بخوار کردند بی آن که یک کلمه بهم حرف بزنند ... تازه ملتفت شدم که غیر از خودم چند تا مجرم دیگر هم هستن که آدم از دیدنشان زهره ترک می‌شد. موهای سر و رویشان بلند بود و شپش از سرو گوششان بالا می‌رفت و چشم‌هاشان یک جور حالتی داشت که نمی‌توانستی یک دم به آن نگاه کنی بعداً ملتفت شدم که هر کدامشان بیش از هفتاد روز است که پاهایشان توی بخوار مانده ساق پاهای هر دوشان زخم شده و چرک کرده و ورم آورده بود، پای چرکی، بفهمی نفهمی بو گرفته بود. آهن بخوار تیغه دماغه ساق‌ها را خورده و در استخوان نشست کرده بود» (*روزگار سپری شده* مردم *سالخورده*، کتاب اول: ۱۸۰).

«احمد کهکین مردی نیست که بار دیگر برود ته چاه تا آن سر بریده را بالا بیاورد چون علاوه بر حس خفگی از بوی تعفن که تازه او را دچار استفراغی مرگبار کرده...» (همان: ۴۰۶).

«نگرانی از بابت این که ممکن است تا چند روز دیگر این چرک‌ها از گوش‌هایم و از حلقم بیرون بزنند. شاید توی اتوبوس این اتفاق بیفتد، و از این اتفاق ممکن است خانه و محله و خیابان را به گند بکشد» (*روزگار سپری شده* مردم *سالخورده*، کتاب سوم: ۱۰).

۵-۱-۵. حیوانات و گیاهان عجیب و غریب: یکی دیگر از عناصر داستان‌های

رئالیسم جادویی به تصویر کشیدن گیاهان و حیوانات عجیب و غریب خیالی هستند که در دنیای واقعی وجود ندارند موجوداتی که ساخته ذهن نویسنده بوده و در داستان آورده می‌شوند (ساعدی، ۱۳۷۸: ۳۶).

وجود خیارهای دریایی، صدف‌های غیر معمول و ماهیانی که در دنیای واقعی وجود ندارند و رفتارهای غیرمتعارف دارند، در داستان‌های کارپانتیه قابل تأمل است:

«استبان» نمی‌توانست باور کند که خیارهای دریایی، شن می‌بلعند یا وال‌ها از شمال به منطق استوایی پایین می‌آیند» (قرن روشنفکری: ۱۱۷).

«استبان ماهی‌هایی می‌دید که دهانشان بر پشت‌شان بود یا آبشش‌هایشان زیر شکمشان.

ماهی‌ای را می‌گفتند به اندام زیرین انسان علاقه دارد و آن‌ها را می‌کند» (همان: ۲۵۱).

«این‌ها (صدف‌ها) حوریانی بودند که بنا به افسانه، گوشت نرم و شیرینشان در شکم گلگون صدف «ناخن پریان» در دسترس بود» (همان: ۲۵۰).

در داستان دولت‌آبادی این گونه کاربرد محدود به حیوانات عجیب و غریب ساختگی می‌شود:

«آن معجون، همانا داروی بیهوشی بود که از طریق پوست جذب می‌شد و اثر می‌کرد و چون آن غول بی شاخ و دم وهمناک، پا از پا و زار درآوردند و دست‌های آن زن گرفتار، دل انگشتی معجون به کف پای هر یک مالید، دیری نپایید که آن دو غول غش کردند و صدای خروپفشان به هوا بلند شد» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب سوم: ۶۲۲).

غول بی شاخ و دم وهمناک ساخته ذهن نویسنده است. تفاوت این دو نویسنده در این است که کارپانتیه بیشتر موجودات خیالی دریایی موجود در فرهنگ خود را ارائه داده، اما دولت‌آبادی از حیوانات ساخته ذهن خود بهره برده است.

۵-۱-۶. نوزاد غیرطبیعی: این مؤلفه عبارت است از نوزاد یا کودکی که بعد از به دنیا آمدن کارهای خارق‌العاده و غیرواقعی دارد (مارکز، ۱۳۸۲: ۴۴۰). در آثار کارپانتیه آمده است:

«ماکاندال» باعث شد زنی سیاه‌پوست بچه‌ای با صورت گراز به دنیا بیاورد» (قلمرو این‌عالم: ۵۳).

«شیون‌های نوزاد با صدای پیرمرد، که در این حال حتی از قبل هم تحمل‌ناپذیرتر می‌شد» (همان: ۱۲۸).

در داستان دولت‌آبادی در بخش‌هایی از رمان به این نوع نوزاد غیرطبیعی اشاره شده است: «جیغ نوزاد شنیده شد بر اثر سیلی دست سنگین و مقتدر بی بی انعام که لایب میج پاهای او را گرفته کله پا نگهش داشته و بر سرین طفل نواخته بود؛ و آن جیغ که اندک اندک به شکل گریه در آمد، در حدود یک سال قطع نشد» (روزگار سپری شده مردم سالخورده، کتاب اول: ۳۰۵).

«چشم‌ها چار تا شد وقتی شنیدند که آن جانور (کودک) حرف می‌زند و فعلی را در چندین صیغه صرف می‌کند. حالا اتفاق عجیب‌تری افتاد و آن چارتاق گشوده شدن در بسته‌ی اتاق بود به ضرب باد» (روزگار سپری شده مردم سالخورده، کتاب سوم: ۶۱۷). «دیگران دیدند که جانور پشمالو (کودک) مثل خفاش پرواز کرد، از دهانه‌ی در بیرون پرید و بر یال گرد باد چرخان نشست با کلماتی عجیب که بر زبان می‌آورد» (همان: ۶۱۷).

در داستان‌های عادی ممکن است خواننده حس کند که وجود رخدادها، عمدی و تحمیل شده به داستان است، درحالی که در گوتینگ یا سبک رئالیسم جادویی، یک اثر قوی عناصر ماوراءطبیعی دارد که به مدد بهره جویی از تکنیک‌های مختلف به شکلی هدفمند کنار هم آرایش می‌یابند، و خواننده را غرق خود می‌کنند حتی اگر بدون دلیل باشند (بی نیاز، ۱۳۸۲: ۳). وجود کودک غیرطبیعی وجه اشتراک این ماجراست و تا حدی کار را به گوتینگ نزدیک می‌کند. قیاس این کاربرد در اثر کارپانتیه و دولت‌آبادی نشان می‌دهد هیئت و شکل نوزادها در هر دو اثر شبیه به حیوانات زشت و منفور است.

۷-۱-۵. امور دهشت بار: در میان وقایع توجیه‌ناپذیر، برخی از اتفاقات عجیب داستان علاوه براین که توجیه علمی و منطقی ندارند، دهشت‌بار و ترسناک هم هستند که با عنوان «امور دهشت‌بار» طبقه‌بندی می‌شوند. امور عجیب و غریب و در برخی موارد باورنکردنی که به شکل دهشت‌باری در خصوص وقایع ذکر می‌شود (پورنامداران و سیدان، ۱۳۸۸: ۵۵).

«مامان لوآ به آشپزخانه دوید و بازوهایش را در قابلمه‌ای پر از روغن داغ فرو برد. تی نوئل بی تفاوتی محض را در چهره‌اش مشاهده کرد، و عجیب‌تر آن که، وقتی بازوهایش

را از روغن بیرون کشید، با وجود جلاز و ولز هولناکی که قبل شنیده شده بود، هیچ تاول یا جای سوختگی بر آنها دیده نمی‌شد» (قلمرو این‌عالم: ۴۱).

«برادرم ونسان را در میدان مشق، درکاپ فرانسه کشته‌اند. بدنش را با ضربه‌های میله آهنی تکه‌تکه کرده‌اند. می‌گویند استخوان‌هایش مثل گردو زیر ضربه‌های چکش می‌شکسته است» (قرن روشنفکری: ۱۲۷).

«آتش و سنگ و آجر از پنجره‌ها فرو می‌بارید. روغن جوشان از تابه‌ها و دیگ‌ها بر سر سربازان فرو می‌ریخت. خدمه تویی یک یک بر زمین افتادند اما توپ همچنان شلیک ادامه داد. بلایی آسمانی بر مادرید نازل شده بود» (همان: ۴۷۵).

کارپانتیه با وارد کردن حوادث دهشت باری همچون: فرو کردن دست در قابلمه پر از روغن داغ و زنده به گور شدن کشیش در دیوار کلیسا، به‌گونه‌ای عمل کرده است که این وقایع که در بافت داستان بدون هیچ تعجیبی قابل قبول به نظر می‌رسند، ولی در عالم واقع منطقی و عاقلانه نبوده و به نوعی ترسناک و وحشت آور است.

دولت‌آبادی نیز در روزگار سپری‌شده مردم سالخورده این امور دهشت بار را بیان کرده است:

«و مردی که پدر خود اوست با گردن بریده و فواره‌ی خون از شاه‌رگ گردن، و سری که روی شان‌اش آویخته شده با خرخر تنفسی مهیب و چشمان از کاسه به در جسته، از درون باد پیش می‌دود» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب اول: ۲۱).

«شاه شاهان) تبر زین را بالا برد و گردن اسیر هندو را از قفا قطع کرد و به پیروی از این حرکت هنگ قطع آستین‌ها را بالا زد تا دو صد هزار هندو را گردن بزند. می‌دانید چند روز و چند شب این کار طول کشید؟» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب دوم: ۴۶).

«میرغضب فقط از باب انگیختن احساسات انسان دوستانه‌ی مردم نسبت به محکوم، گوش و بینی قربانی را می‌برید، کنار سینی قرار می‌داد و محکوم را در بازار می‌گرداند تا دل خلق الله بسوزد و سکه‌ای به میرغضب کمک کنند» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب سوم: ۹۲).

ویژگی‌های این نوع داستان‌ها، مطرح کردن حوادث خشن و در عین حال ترسناک است، به‌گونه‌ای است که مخاطب را به اعجابی آمیخته با وحشت وادار کند. گرچه

این وقایع در عالم واقع هم، دور از تصور نیست، اما موضوع اصلی، دهشت بار بودن این وقایع است که به عنوان یکی از مولفه های رئالیسم جادویی بررسی می شود.

۵-۱-۸. توصیفات اکسپرسیونیستی و سورئالیستی: توصیفاتمانند رنگ پریدگی

ماه یا بادکردن ماه و یا برآمدن خورشید از این قبیل هستند. در این توصیفات، نویسنده می کوشد تصاویر و پدیده های ناهمگون بی آفریند و در کنار یکدیگر بنهد. اما رابطه میان این تصاویر و پدیده ها نه از راه تفکر منطقی، بلکه با بخش ناخودآگاه ذهن کشف می شود (ناظمیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

«آفتاب دیر برآمد، آهسته روی شهری بی نام و سر پناه و سراسر ویران با تل‌هایی پاره آجر و سنگ و سقط و با تیرهای عریانش به استخوان واره‌ای عظیم مانده» (قرن روشنفکری: ۸۸).

«شب کش آمده؛ طولانی و طولانی و طولانی تر شده است. مثل روز پنجاه هزار سال. شاید چیزی کمتر از آن؛ مثلاً به اندازه‌ی یک هزار و سیصد و شصت- هفتاد سال کش آمده و طولانی شده است شب و به همان حد متراکم و سنگین» (روزگار سپری شده مردم سالخورده، کتاب سوم: ۶۰۴).

بهره‌گیری اکسپرسیونیستی از عناصر خیالی غلوآمیز از ویژگی‌های رئالیسم جادویی کارپانتیه است که به آفرینش پدیده‌ای غیرواقعی می‌انجامد. دیر برآمدن آفتاب از جمله توصیفات اکسپرسیونیستی و سورئالیستی است که در عالم واقع امکان چنین پدیده‌ای ممکن نیست.

۵-۱-۹. هرزه نگاری: عبارت است از به تصویر کشیدن انسان‌هایی که در چنگال فقر

و فساد و فلاکت و محدود در خوشی‌های جنسی‌اند. این داستان‌ها بیشتر به قشرهای فقیر و پایین دست جامعه می‌پردازد و فساد و فحش‌های این قشر را به نمایش می‌گذارد (ایلخچی، ۱۳۹۲: ۳۰).

«دید و بازدیدها و جشن و سرورهای منزل ارباب از شدت سخت‌گیری‌ها می‌کاستند و انضباط آن‌قدر شل می‌شد که دیگر ... سرزدن پنهانی شبانه، به خوابگاه زن‌های آن‌گولایی تازه خریده شده، که ارباب خیال داشت بعد از جشن‌ها، آن‌ها را مطابق آیین مسیحی شوهر بدهد، زیاد سخت نبود» (قلمرو این عالم: ۵۷).

«موسیو لونورمان دومزی، با بالا رفتن سن، دمدمی مزاج و کج خلق و می‌خواره شده بود. در اثر شهوت بارگی مدام، در هر ساعت روز، به کمین کنیزهای نوسال می‌نشست که رایحه پوستشان تحریکش می‌کرد» (همان: ۷۰).

این هرزه‌نگاری ناشی از هرزه‌بینی شخصیت‌های داستانی است و یکی از علل اصلی هرزه‌گی شخصیت‌های داستانی، مستی و شراب‌خواری است که با افراط در این مورد و بدمستی عنان اختیار از کف شخصیت به در رفته و با هر تصویر و صحنه‌ایی به فکری هرزه مبتلا می‌شود و این مورد در داستان‌های کارپانتیه به وفور دیده می‌شود:

«این دو خدمتکار بی‌آن‌که نیاز به اصرار باشد، همین که هوگار، که از هوس‌های مهمانانش به هیچ روی به خشم نیامده بود، به بستر رفت، عریان شدند و پس از آن‌که آتش اشتیاق مهمانان را به لذت‌جویی سیراب کردند آن‌ها را تنها گذاشتند» (قرن‌روشنفکری: ۳۳۲).

«بسیاری از مردان سفید پس از آنکه بر نخستین خارخار وجدان خود پیروز می‌شدند چنان به گرمی آغوش زنان سیاه، خو می‌گرفتند که گویی گرفتار افسون شده‌اند» (همان: ۳۳۶).

این نوع هرزه‌نگاری در ادبیات فارسی و در داستان دولت‌آبادی کمی پوشیده‌تر است و نمونه‌هایی که در ذیل آمده است بیشتر توصیفات نویسنده از مردهای هوس باز و زن باره است:

«حسینک پسر حاج سلطان سلیمان بود که به بدجنسی و عربده‌کشی و خانم‌بازی در میان تمام ارباب- نیمچه ارباب‌های کلخچان شهره بود» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب اول: ۹۶).

«شازده خانم از (ستاره) پرسید: پس کدام یکی از این‌ها با (داماد من) نزدیکی کرد؟ ستاره به ردیف ایستاده‌ی زنان سیاهپوش نگاه انداخت و جواب داد: میر سیف شما با هر هشتادشان آن هم نه یک بار!» (همان: ۱۶۱).

«ستاره خودش را جابجا کرد توجه خانم را بر انگیخت و به او حالی کرد که دامادش میرسیف تازگی‌ها شروع کرده است به خریدن دختر بچه‌های خردسال هر دختری به پنج قران» (همان: ۱۶۲).

در کشورهایی که زیر ساخت مذهبی و اخلاقی دارند، طبیعی است که هرزه‌نگاری نویسندگان محدود شده و تحت تأثیر تربیت‌های خانوادگی قرار گرفته باشد. دولت‌آبادی نیز از این ماجرا

مستثنی نیست. رگه‌های پوشیده‌گویی در نوشته‌های او کاملاً مشهود است. بدیبا معتقد است آنچه در این باره، دست هنرمند را می‌گشاید تا رهاتر فکر کند و سخن بگوید شگفتی موجود در هنر است که در بطن خود، آزادی گفتار را اشاعه می‌دهد (بدیبا، ۱۹۸۵: ۱۸۹). لذا هنر نویسندگی آن طور که بایسته است، مسیر خود را به سوی تکنیک کاربردی‌اش باز می‌کند و دولت‌آبادی در عین محدودیت‌های کلامی به این هدف دست یافته است.

۵-۱-۱۰. **اسطوره:** از دیگر مؤلفه‌های سبک رئالیسم جادویی می‌توان به حضور پررنگ اسطوره‌های محلی و ملی در این دسته از داستان‌ها اشاره کرد. اسطوره، گونه‌ای از حکایت است که مردم آنها را از موجوداتی می‌گیرند که از دایره عقل و تصورات عادی خارجند. در واقع اسطوره به نوعی پیرامون حوادث خارق‌العاده و خدایان می‌چرخد (ناظمیان و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۰). «اساطیری همچون: افسانه آفرینش، مبحث خدایان، اعداد، پهلوانان، حیوانات، گیاهان، عناصر چهارگانه طبیعت (باد و خاک و آب‌و‌آتش) و داستان‌های دینی و مذهبی در سرزمین‌ها و ملت‌های مختلف بسیار به یکدیگر نزدیک بوده (مخصوصاً در سده‌های نخستین زندگی بشر) و تفاوت‌ها فقط در حوزه‌های فرهنگی و مذهبی مشهود است» (رضابیگی، ۱۳۸۷، ۱۵۵).

«پادشاهان، نیزه به دست، پیشاپیش سپاهیان‌شان حمله می‌کردند و به برکت دانش "مهیاکندگان" آسیب‌ناپذیر شده بودند، زخم نمی‌خوردند، مگر آن که با عملی به ایزدان «آذرخش» یا ایزدان «آهن گداخته»، اهانت کرده باشند» (قلمرو این عالم: ۳۱-۳۰).

«یک روز (ماکاندال)، برای قیام بزرگ فرمان می‌داد و سروران فراسو، به سرکردگی «دامبالا»، ارباب جاده‌ها، و اوگون آهن، آذرخش و تندر را می‌آورند تا گردبادی را رها سازند که عمل انسان‌ها را پایان می‌بخشید» (همان: ۵۳).

«ماکاندال)، عادت داشت، شب‌ها در پوست بزی سیاه با اخگرهایی بر نوک شاخ‌هایش در جاده‌ها ظاهر شود» (همان: ۵۳).

مهیاکندگان آسیب‌ناپذیر، ایزدان آذرخش یا ایزدان آهن گداخته نمونه‌هایی از اسطوره‌های به‌کار رفته شده در آثار کارپانتیه است که همگی خارج از دایره عقل خواننده است و بیانگر حوادث و وقایع خارق‌العاده هستند.

یکی از نمونه‌های آرمان‌گرایی، اندیشه‌های ظهور منجی در آخرالزمان است و در باورهای دینی و عرفانی ما حضرت مهدی موعود (عج) به‌عنوان منجی آخرالزمان شناخته شده است. وی با ظهور خود جهان را سرشار از عدل و داد می‌کند و بساط بدی و ظلم را برمی‌چیند. در باورهای دینی و عرفانی، زمین از آن نیروی خیر و صالحان خواهد بود. از این رو در رمان محمود دولت‌آبادی مردم کلخچان منتظر سامون هستند که آنان را نجات دهد.

«او در هنگام کار در قبرستان منتظر است تا کسی بیاید. من آن سوار را می‌بینم. من آن سوار را در تشت خورشید مذاب می‌بینم که خون از رکابش بالا آمد و دارد می‌رسد...» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، ۳:۶۵۳). مصلح و منجی این جامعه، گمشده مردم ستمزده کلخچان است. «همگان فرزند گمشده‌ای دارند یا فرزندی که بعدها خواهد آمد؛ این است که همگان برای من [سامون] جایی در یاد خود دارند. کسی گم شده است. کسی به دنیا خواهد آمد» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب سوم: ۲۶۹).

من سام هستم. همه با من حرف می‌زنند؛ اما هیچ‌کس مرا نمی‌بیند. من دوباره از مرگ برخاسته‌ام. مرده و زنده شده‌ام (همان: ۲۶۸). در جای دیگری مادرش که همیشه همراه اوست، خطاب به او می‌گوید تو در پرتو آن نامیرا می‌شوی؛ در همان ابدی جاودانه می‌شوی؛ بی‌زمان. لامکان» (همان: ۲۶۹).

۲-۵. تحلیل مولفه‌های رئالیسم جادویی متمایز دو نویسنده

۱-۲-۵. مولفه‌های منحصر در آثار کارپانتیه

غافل‌گیری و شوک ناگهانی: امور عجیب و غریب و باورنکردنی هستند که در مورد عناصر امور دهشت‌بار و توجیه‌ناپذیری وقایع ذکر شد، به‌گونه‌ای که با ورود آن به داستان، خواننده غافل‌گیر شده و به نوعی شوک به داستان وارد می‌کند (پورنامداران و سیدان، ۱۳۸۱: ۵۶).

«ناگهان دست‌ها از حرکت باز ایستادند و گفתי به حکم شاعیری مرموز در دو سوی گونه‌هایش بی‌حرکت ماندند و به این ترتیب مناسک معالجه پایان یافت. استبان چنان که مقهور رخوتی ناگهانی شده باشد، بر نیمکتی حصیری به پهلو افتاد و عرق مثل سیل از همه جایش جاری بود و سوفیا اندام برهنه او را با پتو پوشاند» (قرن روشنفکری: ۷۰).

استحاله انسان به انسان: منظور از این نوع استحاله انسان‌هایی است که رفته رفته در اثر گذر زمان تغییر شکل می‌دهند و به شکل انسان دیگر در می‌آیند. نمونه‌هایی از این نوع استحاله به شرح ذیل بوده است:

«یک شب که تی نوئل به جشن طبل‌ها رفته بود، روح پادشاه آنگولا در جسمش حلول کرد و سخنرانی مفصلی بر زبان آورد، مملو از چیستان‌ها و نویدها» (قلمرو این عالم: ۱۶۵).

(a) **فضاسازی اغراقی:** در این شیوه مؤلفه‌های داستان با توصیف یک وضعیت جدید آغاز می‌شود و بعد از آن، نویسنده، با وارد کردن عناصری اغراق آمیز و در بعضی موارد غیرواقعی، فضای جادویی و اغراق آمیز به آن می‌دهد (ایلخچی، ۱۳۹۲: ۲۶). کارپانتیه در این دو اثر، با وارد کردن عناصر غیرواقعی، تلاش می‌کند تصاویر واقعی را غیرطبیعی و جادویی جلوه دهد.

«همه‌ی درخت‌ها از ریشه درآمده، سرشان رو به جنوب، نقش زمین شدند و تمام شب، دریا که به باران شده بود، ردی از نمک بر دامنه‌های کوهستان باقی گذاشت» (قلمرو این عالم: ۱۷۵).

فضاسازی وهمی: مضامین هراس‌انگیز و غریب که جنبه‌های تمثیلی و رمز و رازگونه و نمادین نیز به خود می‌گیرد. این در حالی است که در زندگی عادی، این حوادث امکان وقوع و خودنمایی ندارند، ولی در داستان‌های به سبک رئالیسم جادویی چنین فضاها و هم‌آلود و مرموز، زیاد استفاده شده است (سیف‌الدینی، ۱۳۷۸: ۱۹۴).

«گویی همه پنجره‌ها و درهای خانه، همه‌ی کرکره‌ها، همه‌ی روزنه‌ها به سوی «اسقف‌سرا» چرخیده بودند و ناشکیبایی پراضطراب‌شان چنان شدید بود که نمای عمارت‌ها به شکل‌هایی انسانی بدل می‌کرد. بام‌ها لبه‌هایشان را جلو می‌آوردند و رطوبت فقط به شکل گوش‌هایی چسبیده به دیوار نمایان می‌شد» (قلمرو این عالم: ۱۲۷).

تمایل کارپانتیه برای آفریدن فضاها و هم‌آلود و مرموز و موضوع‌های عجیب و غریب، برگرفته از آگاهی و دانش وی و محیط زندگی اوست. فضای این صحنه‌ها علاوه بر وهم‌گونه بودن، ترس و وحشت را نیز می‌رساند. به طور مثال،

جایجا شدن پنجره‌ها و درها، در عالم واقع امکان وجود ندارد، اما در فضای رمان و برای خواننده فضای وهم گونه ایجاد کرده است.

تلفیق و پیوند: تلفیق و پیوند^۱ عبارت است از دو ترکیب ناهماهنگ و ناسازگار که در شخصیت‌های داستان، مسائل اجتماعی و تخیلی و وقایع مختلف اتفاق می‌افتد و به نوعی تعارض در داستان ایجاد می‌کند (کسیخان، ۱۳۹۰: ۱۰۸).

«در این ستیز دو دوران آشتی‌ناپذیر تاریخی باهم رو در رو بودند آدم قوم‌پرست با انسان خداشناس در مصاف آمده بود» (قرن‌روشنفکری: ۳۴۲).

(b) **کشمکش و پدیده جادویی:** هر داستان، به نوعی با کشمکش^۲ و درگیری فردی یا جمعی آغاز می‌شود و با اتمام آن، پایان می‌یابد. در رئالیسم جادویی، پدیده جادویی، محور کشمکش است و... (رضی و بی‌نظیر، ۱۳۸۹: ۳۵). در ابتدای داستان قلمرو این‌عالم، ماکاندال محور کشمکش قرار می‌گیرد و شخصیت وی دغدغه اصلی بخشی از داستان می‌شود. به عنوان مثال، ماکاندال این توانایی را دارد که با استفاده از قدرت جادوگری‌اش، خود را به شکل حیوانات مختلفی مانند: مگس، هزارپا، ببر، مورچه، ماهی و حشره در آورد (قلمرو این‌عالم: ۵۳، ۶۱-۶۰).

۲-۵. مولفه‌های منحصر در آثار دولت‌آبادی

زنده شدن مردگان: زنده شدن مردگان به عنوان یکی از مولفه‌های رئالیسم جادویی در روزگار سپری‌شده مردم سالخورده است:

«مرد خفته در تابوت، نشان از همه‌ی شاهان و موبدان و شیخان و صوفیان تمام دوره‌ها دارد... دیری نمی‌پاید که جنازه نیم‌خیز می‌شود، دست بر لبه‌ی تابوت می‌گیرد، عطسه می‌زند، پلک می‌جنباند و نگاه می‌کند» (روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، کتاب دوم: ۴۲۵).

«(جنازه)، سرش را تکان داد. لب‌های درشتش را با یکی دو بلوق شتری لرزاند، قدری کف به لب آورد، دور و اطراف را نگاه کرد و صدا زد: قمری، قمری ... پس تو کدام گوری هستی؟» (همان: ۴۲۵).

انسان‌های فراطبیعی اجتماعی: این نوع انسان، معمولاً با نوعی بزرگنمایی شناخته می‌شوند و هدف نه تنها تأثیرگذاری بیشتر از رهگذر برانگیختن تخیل خواننده، بلکه برجسته سازی یک نکته مهم اجتماعی است.

«مردمانی که هنوز رمقی در زانوهایشان باقی مانده بود با چشم‌های واریده از زغوریت و تعجب، و شاخ‌هایی از پیشانی‌هایشان رویده بود، از درهای کوتاه و پست خانه‌ها بیرون آمدند و مثل گنگ‌ها به یکدیگر نگاه کردند» (روزگار سپری شده مردم سالخورده، کتاب اول: ۲۶۸).

اجساد فرا طبیعی: اجسادى که بعد از مرگ حالت و وضعیت غیرعادی دارند. اجساد عجیب و غریب و خارق‌العاده که پرواز می‌کنند، حرکت می‌کنند و... انسان‌هایی مرده که به کشت زمین مشغول‌اند، همگی حالت و موقعیتی غیرعادی و باورنکردنی دارند؛ به گونه‌ای که در عالم واقع چنین چیزی باورکردنی نیست و فرا طبیعی است. اجسادى که بعد از مرگ حالت و وضعیت غیرعادی دارند و یا بعد از مرگ می‌توانند دوباره زنده شوند:

«هرکس که در خانه‌ای مرده بود، هر جنازه‌ای که جایش بر می‌خواست، کهنه کرباسی به دور خویش می‌پیچید، از میان باد بیرون می‌آمد می‌رسید دم رکاب کالسکه، نشسته می‌شد در گودی پایین صندلی و کالسکه راه می‌افتاد و دوباره تلق و تلق و تلق ... می‌رفت تا در خانه‌ای که جنازه‌ای تویش مانده بود، بایستد» (روزگار سپری شده مردم سالخورده، کتاب اول: ۲۷۴).

زمان: یکی دیگر از عناصر داستان‌های به سبک رئالیسم جادویی، بازی با زمان است. نویسنده در این داستان‌ها زمان خاصی را می‌آفریند که به دور از زمان‌های تقویمی و فلکی است.

«پس سام بیست سالی کنار پنجره ایستاده بود و به خیابان، به خیابان نگاه می‌کرد. بعد از آن مدت بود که روی از خیابان برگرداند» (روزگار سپری شده مردم سالخورده، کتاب سوم: ۷۱).

۶. شرایط و علل شکل‌گیری رئالیسم جادویی در آثار منتخب کارپانتیه و دولت‌آبادی

با توجه به شناختی که از رئالیسم جادویی، ویژگی‌ها و قابلیت‌های آن در دو رمان منتخب کارپانتیه و رمان بلند دولت‌آبادی به دست آمد، در این بخش به تحلیل شرایط اقلیمی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشترک اثرگذار بر نگارش شیوه رئالیسم جادویی در آثار منتخب دو نویسنده می‌پردازیم.

۱-۶. شرایط زیست محیطی

آمریکای لاتین و ایران، از نظر زیست محیطی تقریباً شرایط مشابهی دارند. آمریکای لاتین، سرزمین کوه‌های بلند و صعب‌العبور و زمین‌های پست استوایی است که گرمای شدید، شرایط زندگی را در آنجا دشوار می‌کند (کندری، ۱۳۷۱: ۲۳). آب و هوا در برخی از مناطق خراسان و بویژه محل وقوع داستان، «خشک و بیابانی» است. شرایط آب و هوایی و نوع زندگی مردم در این مناطق، به توصیفات اکسپرسیونیستی در داستان‌های رئالیسم جادویی کمک می‌کند. شدت گرما و خشکسالی، باعث افزایش باورهای خرافی در میان مردم این مناطق می‌شود (ساعدی، ۱۳۴۵: ۲۹). به طوریکه باورهای خرافی و اعتقاد به وقایع موهوم در این مناطق، نسبت به سایر نقاط، بیشتر است. مردم این مناطق «به خاطر شرایط خاص زیست‌محیطی و عدم ارتباط با دیگر سرزمین‌ها، گویی در برهوتی اسرارآمیز و خیال‌انگیز می‌زیند» (پورنامداریان و سیدان، ۱۳۸۸: ۵۴).

وجود اعتقادات، باورها و خرافه‌های موهوم و زندگی در مناطقی با شرایط آب و هوایی گرم و طاقت‌فرسا در فضای داستان‌های کارپانتیه و دولت‌آبادی زمینه مساعدی برای جنون، پریشانی و آشفتگی‌های روانی شخصیت‌های داستان است. ترس از گرسنگی و بی‌آبی، بیماری و مرگ و میر، بیکاری، خشکسالی، خستگی کار و زندگی یکنواخت، بردگان و شخصیت‌های داستان را دچار خمودگی، ترس و ناامیدی کرده است.

۲-۶. فقر و بی‌سوادی

فقر و بی‌سوادی پدیده‌ای است که در اغلب کشورهای جهان سوم، به وضوح دیده می‌شود. مردم این کشورها، به علت فقر و فقدان آموزش کافی، در جهل و بی‌سوادی به سر می‌برند. کشورهای آمریکای لاتین و ایران در زمان پدید آمدن داستان‌های جادویی، چنین وضعیتی داشته‌اند. در آثار نویسندگان آمریکای لاتین همچون کارپانتیه، این امر به راحتی قابل درک است. هنگامیکه تمدن مدرن وارد ماکوندو شد، مردم آنجا شگفت زده شدند و علت اختراعات جدید بشر را به جادو نسبت دادند. وقتی که کولی‌ها، آهن‌باز را به آنجا بردند، مردم دهکده از اینکه می‌دیدند قابلمه‌ها و سه پایه‌ها به زمین می‌افتند، سخت حیرت کردند و جهل مردم منشأ سوءاستفاده ملک‌یادس شد که به جادو و امور موهوم اعتقاد داشتند و... (مارکز، ۱۳۵۷: ۲۱). در ایران نیز با چنین شرایطی مواجه هستیم. رادیو که به آبادی وارد شد، ساکنان آنجا آن را جعبه‌ای جادویی می‌پنداشتند که عده‌ای از انسانها در آن زندانی شده‌اند. و در مورد هواپیما نیز تصورات جادویی داشتند «یک روز، مردم آبادی با دیدن پرندهای غریب و آهنین که آدمی در شکم داشت و سروصدای غریبی می‌کرد و ناگهان در آسمان بالای سرشان پیدا شد، گریختند. پرنده، انگار قصد جانشان را داشت. جادوگری که در شکم آن نشسته بود، آن را درست بالای سرشان می‌آورد و...» (روانی پور، ۱۳۶۹: ۱۶۶). و یا در رمان مورد بررسی آمده است: «گفتند دوچرخه‌ها که بیابند آل و و دیو و جمنده و جن رم می‌کنند. گفتند ماشین که بیاید این چیزها را دود می‌کند. گفتند این اشباح همزاد کاروان‌ها و چارپایانند و همزاد تیرگی و تاریکی» (روزگار سپری شده مردم سالخورده، کتاب دوم: ۲۹۷).

در آثار کارپانتیه و دولت‌آبادی، بی‌سواد و دور بودن از مراکز تمدن جدید، میزان بی‌سواد را در میان شخصیت‌های داستان افزایش داده است و باعث شده که آنها، حقیقت رویدادها و وقایع اطراف خود را نشناسند و آنها را به قدرت‌های موهوم نسبت دهند. وجود سحر و جادو و جنبل و همه این‌ها از تمایلات، هیجانانگیز و آرزوهای مردمی حکایت می‌کند که در فقر و تنگدستی و بی‌سواد زندگی می‌کنند.

۳-۶. باورهای خرافی

در تمام مناطق دنیا، اساطیر و باورهای مشترکی وجود دارد که نشان دهنده مشابهت تمدن آن‌ها است. یکی از این باورهای مشترک، آیین قربانی است. در آمریکای جنوبی، آیین

قربانی به صورت پیشکش و هدیه به محضر خدایان صورت می‌گیرد. «سرخپوستان کویچوآ و آیما در پرو و بولیوی، با اینکه از چهار قرن پیش، مسیحی بوده‌اند، هنوز هم به ارواحی هدیه می‌دهند که احساس می‌کنند دور تا دورشان را گرفته‌اند و در کارهای روزمره‌شان دخالت می‌کنند» (گریمال، ۱۳۸۵: ۶۰). اسطوره قربانی در ایران نیز در آیین زار و قربانی برای آیین‌های دینی نمایان شده است. «ساختار آیین زار بر عناصری چون مرد یا زن درمانگر، موسیقی، قربانی، تسلط بر ارواح شریر بیماری‌زا، خلسه و... متکی است» (ملک راه، ۱۳۸۵: ۳۴۴).

باورهای خرافی، یکی از عوامل رشد تخیل در این مناطق و به تبع آن، در داستان‌های آنهاست. همانطور که کارپینته معتقد است: «نویسنده آمریکای لاتینی، نیاز ندارد تخیل را در آثار خود وارد کند، زیرا به بهترین شکل و در نهایت، باورپذیری نه تنها در افکار و عقاید مردم، بلکه در زندگی روزمره آنها وجود دارد» (شوشتری، ۱۳۷۸: ۳۳). مهم‌ترین باورهایی که در بین مردم آمریکای لاتین وجود دارد، مربوط به ارواح و حلول شیاطین در جسم، هنگام بیماری است. به اعتقاد مردم ایران، بادهای باعث بیماری می‌شوند و تمام موجودات خیالی، پریان دریایی، دیوها، ارواح نیک و بد، همه باد یا خیال هستند و آدم‌ها را اسیر خود می‌کنند. آیین زار و دهل زنی، یکی از شایع‌ترین روش‌های درمانی است (ساعدی، ۱۳۴۵: ۳۱). به عنوان مثال، در رمان دولت‌آبادی آمده است: «گه سگ را گذاشتم لای لته‌ها و آتش زدم و از پیش خودم شروع کردم ورد خواندن و فوت کردن تا به خیال خودم دفع بلا کنم» (روزگار سپری شده مردم سالخورده، کتاب اول: ۶۶).

۴-۶. شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

وجود منابع زیرزمینی و ذخایر ارزشمند، از امتیازات منطقه آمریکای لاتین است؛ به همین جهت، حضور استعمارگران در آن کاملاً مشهود است و آنان را به این منطقه جذب کرده است. «کشتزارهای وسیع کلمبیا، در کنار تولید قهوه، موز، گل، نیشکر و پنبه و نیز استخراج نفت، طلا، نقره، و زمرد، چشم گردانندگان شرکت‌های داخلی و به خصوص خارجی را خیره کرده است و آنها را به جانب انواع دخالت‌ها، زد و بندها و جنایت‌ها سوق داده است» (مارکز، ۱۳۸۶: ۴۰).

در رمان روزگار سپری شده مردم سالخورده نیز وجود نیروهای اشغال‌گر روسی در شمال و مرکز ایران و دوران جنگ جهانی اول در ایران و شرایط و خفقان سیاسی و اجتماعی پهلوی اول، در اغلب نقاط ایران، نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

حاکمیت جو خفقان و حکومت‌های استعماری که باعث سلب آزادی اندیشه از مردم شده‌اند، نویسندگان را برآن داشته‌اند که واقعیت‌های موجود در سرزمین خود را به روشی خاص بیان کنند. از سوی دیگر، زمانیکه فشار حکومت‌ها، آزادی را از ملت‌ها سلب کند، بیان حقایق به آسانی امکان‌پذیر نیست و این فشارها، نویسندگان را به سمت تخیل و گریز از واقعیت سوق می‌دهد (شیخ‌حسینی و محمودی، ۱۳۹۵: ۲۱۶).

شکی نیست که وجود شرایط نابسامان اجتماعی سیاسی، فشارهای استعماری، استثمار افراد اجتماع و مواردی از این دست، شرایط استقلال‌طلبی را فراهم می‌کند. استفاده از تکنیک‌های ادبی برای رسیدن به اهداف انقلابی و معترضانه یکی از شیوه‌های مورد استفاده نویسندگان است و بر همین اساس دولت‌آبادی و کارپانتیه در نگارش خود و گرایش به رئالیسم جادویی و انتقادی از چنین بستری بهره برده‌اند.

۷. نتیجه‌گیری:

رئالیسم جادویی، به عنوان سبکی جدید در زیرساختار مکتب رئالیسم شکل گرفته و متأثر از غرب به ویژه آمریکای لاتین به ادبیات جهان عرضه شده است. رئالیسم جادویی در ایران، دارای طرفداران بسیاری دارد که در آثار خود بن‌مایه‌ها و مؤلفه‌های این سبک را به کار برده‌اند. دو نویسنده مطرحی که در این پژوهش مورد بررسی قرار دادیم هر دو هم بن‌مایه‌های مشترکی داشته‌اند و به‌کار برده‌اند و هم در آثار خود بن‌مایه‌های منحصر به فرد خود را آورده‌اند. اما ماهیت و شکل این مؤلفه‌ها علیرغم شباهت و طبقه‌بندی یکسان، دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که از عقاید و باورهای بومی، فرهنگی و محیط‌زندگی نویسنده نشأت می‌گیرد. همچنین، موجودات، حیوانات و عناصر فراطبیعی و عجیب و غریب این دو نویسنده با هم تفاوت‌های محسوسی دارد. از سوی دیگر، دولت‌آبادی در برخی موارد همچون فضا‌سازی‌های تعفن‌بار از کارپانتیه پیشی می‌گیرد. در آثار کارپانتیه مؤلفه‌هایی همچون استحاله انسان به انسان و ترسیم فضا‌های اغراقی و وهمی مشاهده می‌شود که در آثار دولت‌آبادی نسبت. در مقابل، مؤلفه‌هایی همچون زنده‌شدن مردگان و بازی با زمان به چشم

می‌خورد که می‌توان از آن‌ها به عنوان مولفه‌های منحصر به فرد وی یاد کرد. روزگار سپری‌شده مردم سالخورده، رمانی با سبک رئالیسم اجتماعی و انتقادی است و از آنجایی که در این رمان، رئالیسم انتقادی با باورهای خرافی و تخیل و وهم همراه شده است، شکلی جادویی به خود گرفته است و با رگه‌هایی از رئالیسم جادویی، به رشته تحریر در آمده است. در مقابل دو اثر ذکر شده از کارپانتیه، از جمله داستان‌هایی است که کاملاً منطبق با شیوه رئالیسم جادویی نگاشته شده است.

نکته دیگر اینکه با توجه به متن کتاب به نظر می‌رسد جامعه‌ای که دولت‌آبادی و کارپانتیه در آن زندگی کرده‌اند، نه تنها شرایط اقلیمی، آب و هوایی و زیست‌محیطی، زندگی مردم منطقه را متأثر ساخته، بلکه در شخصیت‌ها و ویژگی‌هایی داستان به صورت جنون و پریشانی و آشفتگی‌های روانی، مشاهده می‌شود و گاه چنان با زندگی روزمره مردم در آمیخته که مرز میان واقعیت و خیال روشن نیست. شکی نیست که وجود شرایط نابسامان اجتماعی سیاسی، فشارهای استعماری، استثمار افراد اجتماع و مواردی از این دست شرایط استقلال‌طلبی را فراهم می‌کند. استفاده از فن‌های ادبی برای رسیدن به اهداف انقلابی و معترضانه یکی از شیوه‌های عملکرد مبارزاتی نویسندگان است و بر همین اساس دولت‌آبادی و کارپانتیه در نگارش خود و گرایش به رئالیسم جادویی از چنین بستری بهره برده‌اند.

References

- Baldick, Chris. *Oxford Dictionary of Literary Terms*. Oxford University Press: New York. 1379/1990.
- Binazir, Negin, and R Aahmd. "Darham Tanidegi Realism Jadoii va Dastane Mogheit, Tahlil Moreddi Dastane *Giahi dar Gharantine*" ["The Entanglement of magical Realism and Situational Storytelling, A Case Study of *A Plant in Quarantine*"]. *Bustan Adab Magazine*, Shiraz University, vol. 4 (1389/2010):29-46.
- Biniiaz, Fathollah. *Tanhaii Tars Nefrat*. Theran: Nashre Hambastegi, 1382/2003.

- Bouhdiba, Abdolwahab. *Sexuality in Islam*. London: Cambrig University, 1364/1985.
- Bowers, Maggie Ann. *Magical Realism*. New York and London: Routledg, 1383/2004.
- Carpentier, Aljo. *The Realm of This World*. 1st ed., Translated by Kaveh Mir Abbasi, Tehran: Nika, 1390/2011.
- . *Century of Intellectualism*. 1ST ed., Translated by Soroush Habibi, Tehran: Niloufar, 1394/2015.
- Chamberlain, Lori. *Magicking the Real: Paradoxes of Postmodern Writing*. London: Greenwood, 1365/1986.
- Dolatabadi, Mahmoud. *Bygone Days of the Elderly, Book 1: Climate*. Tehran: Cheshmeh, 1369/1990.
- . *Bygone Days of the Elderly, Book 2: Purgatory*. 2nd ed., Tehran: Cheshmeh. 1377/1998.
- . *Bygone Days of the Elderly, Book 3: The End of the Owl*. Tehran: Cheshmeh, 1379/2000.
- Farzad, Abdolhossein. *On Literary Criticism*. 4th ed., Tehran: Qatre, 1391/2002.
- Qasemzadeh, Reza. "A Comparative Study of Magical Realism in the Fiction of Gabriel Garcia Marquez, Moniro Ravanipour and Reza Braheni". PhD Thesis. *Faculty of Language and Literature*. Islamic Azad University, Tabriz. 1395/2016.
- Ghaderi, Bahador. "Recreating the Myth of Sushyans in the Past of the Elderly People of Mahmoud Dolatabadi". *Quarterly Journal of Literary Research*. Tarbiat Modares University, vol 10, no 4 (1392/2013): 9-38.

Hejazi, Behjat Sadat. "Signs of Magical Realism in My Novel". *Journal of Literature and Language*, Shahid Bahonar University, Kerman, vol 81. no. 81 (1396/2015): 81-103.

Haghrasta, Maryam. "The Difference Between Magical Realism and Amazing Realism and the Role of Perspective in Them by Examining the Works of Gabriel Garcia Marquez and Aljo Carpentier". *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*. vol. 11, no. 30 (Spring and Summer 1385/2006): 17-34.

Howardji, Viarda and Klein Harvey.F. *Latin America, Politics, Government and Development*. Translated by Alireza Ghorbanpour, Tehran: Abrar Moaser, 1387/2008.

Jalali, Maryam and et al. "Comparative Study of the Conceptual Components of Resistance in Association with the Recurring Element of Childhood". *Journal of Comparative Literature Research*, vol. 2, no. 2 (1397/2018): 64-85.

Khaghani Isfahani, Mohammad. "A Comparative Analysis of the Application of Magical Realism in the Two Novels of Haras al-Madinah al-Za'iyya and *Gypsy by the Fire*", *Comparative Literature Review*, Razi University. vol. 5, no. 17 (1394/2005): 51-74.

Kesikhan, Hamid Reza. "A Comparative Study of the Components of Magical Realism in the *Tin Drum* by Guntergrass and *One Hundred Years of Solitude* by Gabriel Garcia Marquez ". *Bi-Quarterly Journal of Linguistics*, Al-Zahra University, vol. 2, no. 4 (1390/2011): 105-126.

Lavi Ilkhchi, Elham. "A Comparative Study of Magical Realism in the Works of Saedi and Marquez". *Book of the Month of Literature*, no. 72 (1392/2003): 21-31.

Kundari, Mehran. *Pre-Columbian South American Culture and Civilization*. Tehran, Institute of Cultural Studies, 1371/1992.

Grant, David. *Realism: The New Critical Idiom Series*. London: Methuen. 1970.

---. *Realism*. Translated by Hassan Afshar. Tehran, Markaz, 1357/1978.

Grimal, Pierre. *Myths of Mahan*. 6th ed., Translated by Mani Salehi Allameh, Tehran: Mohajer, 1385/2006.

Malakrah, Alireza. *Rituals of Healing*. Tehran, Research Institute of Cultural Heritage Organization, 1385/2006.

Marquez, Gabriel Garcia. *The Best Short Stories*. Translated by Ahmad Golshiri, Tehran: Negah, 1386/2007.

---. *One Hundred Years of Solitude*. Translated by Bahman Farzaneh. 3rd ed., Tehran: Amirkabir, 1390/2011.

Mellen, Johan. *Literary Masters: Gabriel Garcia Marquez*. Detroit USA: Gale Group, 2000

Menton, Seymour. *Magic Realism Rediscovered: 1918-1981*. London: Associated University Press, 1983

Mirzaeian, Mahin et al. "Critical Discourse Analysis of the Concept of Power in the First Book of *The Bygone Past of the Elderly* (Climate Wind) Based on Norman Fairclough's Discourse Model". *Bi-Quarterly Journal of Contemporary Persian Literature*. Institute of Humanities and Cultural Studies, vol. 9, no. 2 (1398/2019): 363-385.

Nazemian, Reza et al. (2014). "A Study of the Propositions of Magical Realism in the Novels of the Mourners of Bill Gholam Hossein Saedi and the Nights of a Thousand Nights by Najib Mahfouz". *Arabic literature*. vol. 6, no. 2 (1393/2014): 157-178.

Nojournian, Amir Ali. "Towards a New Definition of Comparative Literature and Comparative Criticism". *Literary Research*, no. 38 (1391/2012): 115-138.

Nikobakht, Nasser, and Maryam Raminonia. "Study of Magical Realism and Analysis of the Nazemian, Reza et al. "A Study of the Propositions of Magical Realism in the Novels of the Drowning Novel". *Quarterly Journal of Literary Research*, no. 8 (1384/2005): 139-154.

Pournamdarian, Taghi and Maryam Seydan. "Reflection of Magical Realism in the Stories of Gholam Hossein Saedi". *Journal of Persian Language and Literature*, Karazmi University, vol. 17, no. 64 (1388/2009): 45-64.

Rouhani, Seyyed Ali, and Emad Abuatta Amlashi. "Temporal Structure in the Literature of Magical Realism and its Impact on Cinema Based on the Theory of Gilles Deleuze". *Research in Contemporary World Literature [Pazhuhesh-e Zabanha-ye Khareji]*, vol. 25, no.2 (Autumn and Winter 1399/2021): 479-449.

Saedi, Gholam Hossein. *People of the Air*. Tehran: Amirkabir, 1345/1965.

Salari, Mahshid. *Anthropology of Iran: Customs, Culture and Art*. Tehran: Afarinesh, 1389/2010.

Saeedi Tabar, Mohammad Zahed. "Magical Realism in the Books of the Last Pomegranate in the World, Jirok and a Collection of Kurdish Stories by Roji Lisco". *Literature Research Institute*, Master Thesis, Razi University, Kermanshah: 1393/2014.

Seyed Hosseini, Reza. *Literary Schools*. 13th ed., Tehran: Negah, 1384/2005.

Seif al-Dini, Ali Reza. *Bakhtak Negar Qom*. Tehran: Eshareh, 1378/1999.

Shoushtari, Mansoureh. "Magical Realism: Imaginary Reality". *Art Quarterly*, no. 32 (1387/2009): 44-75.

Sheikh Hosseini and Mahmoudi. "Common Fields of Tendency with Magical Realism in Southern Iran and South America". *Journal of Comparative Literature*, Kerman, Shahid Bahonar University, vol. 8, no. 14 (1395/2016): 203-221.

Tharwat, Mansour. *Familiarity With Literary Schools*. 3rd ed., Tehran: Sokhan, 1390/2011.

Vesaghati Jalal, Mohsen. "The Role of Narrative Language in the Magical Realism of Older People". *Bi-Quarterly Journal of Narrative Studies*, Iranian Literary Criticism Association, vol. 3, no. 5 (1398/2019): 283-313.